

## ردپای چند چهره ورزشی در میان است!

### سپاهان قهرمان نیم‌فصل لیگ برتر شد

**انصاری: به خودم اجازه نمی‌دهم جواب کاپیتان پرسپولیس را بدهم!**

**ترابی، محروم از اولین بازی پرسپولیس!**

**احتمال بازگشت دوباره پورعلی گنجی به قطر**

**دروازه‌بان عراق دوپینگی شد**

**لیست محرمانه سرمربی پرسپولیس به سرپرست باشگاه رسید**

**پراگکو به دنیال چندب ۳ بازیکنی**

# خراسان ورزشی

یک‌شنبه / ۲۵ آذر ۱۳۹۷ / ۸ ربیع الثانی ۱۴۴۰ / ۱۶ دسامبر ۲۰۱۸ ● چاپ هم‌زمان در مشهد و تهران  
WWW.KHORASANNEWS.COM ● K H O R A S A N – E V A R Z E S H I

**گزارش اختصاصی خراسان از فوق پیشرفته‌ترین**

**ورزشگاه جام جهانی در دوحه قطر**

# لوسیل، زیبای بومی!

**← العابد: ورزشگاه تا پایان سال ۲۰۲۰ آماده خواهد شد**



**لیگ به تعطیلات ۵۰ روزه رفت**

هفته پانزدهم لیگ برتر فوتبال ایران که در واقع پایان نیم فصل اول این رقابت‌ها محسوب می‌شد، روز گذشته و با دیدار سپاهان با استقلال خوزستان به اتمام رسید تا تیم سپاهان به لطف تفاضل گل بهتر نسبت به پرسپولیس و پدیده قهرمان نیم فصل شود. امسال مسابقات لیگ برتر از ۴ مرداد شروع شد و دیروز ۲۴ آذر به نیم فصل رسید. حالا رقابت‌های لیگ حدود ۵۰ روز به خاطر اردوهای تیم ملی و برگزاری جام ملت‌های آسیا تعطیل می‌شود. در ۱۵ هفته لیگ، اتفاقات زیادی روی نیمکت‌ها و در زمین مسابقات رخ داد که شاید تمام این اتفاقات تحت‌تاثیر اعتراض باشگاه‌ها به اشتباهات داوری قرار گرفت. قرار است کمیته داوران در روزهای آینده جلسهای را برای مدیران و سرمربیان لیگ برتر با حضور داوران برگزار نماید تا بتواند این اعتراضات را به نوعی کنترل کند.

● **آقای گل**

در پایان ۱۵ هفته، کی‌روش استثنای مهاجم تیم سپاهان توانست با ۹ گل، بیشترین گل زده را به خود اختصاص بدهد. استثنای در بازی دیروز سپاهان با استقلال خوزستان هم غایب بود و این شانس را نداشت تا اختلاف گل‌هایش را با سایر مدعیان بیشتر کند. استوکس از تراکتورسازی هم در این فهرست دوم است. البته استوکس از تراکتورسازی جدا شده و بعداً ست دیگری به ایران برگردد.

۱- کی‌روش استثنای – سپاهان، ۹ گل  
۲- آنتونی استوکس – تراکتورسازی، ۸ گل  
۳- علی علویور – پرسپولیس، ۷ گل  
۴- امین قاسمی‌نژاد (پدیده) و لوسیانو پریرا (فولاد)، ۶ گل

#### کاشیما حریف رئال‌مادرید شد

مرحله یک‌چهارم نهایی جام‌جهانی باشگاه‌ها دیروز با دیدار تیم‌های کاشیما و گوادالاخارا آغاز شد. قهرمان آسیا توانست ۳ – ۲ تیم مکزیکی را شکست دهد و به نیمه نهایی صعود کند تا حریف رئال مادرید شود. ریوتا ناگاکا، سرچینیو و هیرواکی آیه ۳ گل قهرمان آسیا را به ثمر رساندند. در لحظات پایانی لئو سیلوا به اشتباه دروازه‌شان را باز کرد تا اختلاف به حداقل برسد اما تیم مکزیکی دیگر فرصتی برای به تساوی رساندن بازی نداشت.

#### اعلام نتایج

#### هفته هفدهم لیگ آزادگان

هفته هفدهم لیگ دسته یک دیروز با انجام ۷ بازی پیگیری شد که این نتایج به دست آمد:
● گل‌گهر سیرجان یک – اکسین البرز صفر
● بادران تهران یک – مس کرمان یک
● سرخ‌پوشان پاکدشت ۳ – آلومینیوم اراک صفر
● شهرداری تبریز یک – قشقایی شیراز صفر
● فجر سپاسی صفر – شهرداری ماهشهر صفر
● ملوان ۲ – نود ارومیه صفر
● کارون اروند خرمشهر صفر – خونه‌بونه یک

انگلیس با همکاری چند بازیکن از سطح اول فوتبال باشگاهی انگلیس، بازیکنان تیم‌های رقیب را با پیشنهاد رشوه مواجه می‌کردند. آلوده شدن بیش از ۳۰ بازی، آن‌ها را رسوا کرد و در نهایت گولد علاوه بر زندان برای همیشه از فوتبال محروم شد. ویروس تبانی اما بازنشسته نشد و به سایر لیگ‌ها هم سرایت کرد.

● **اولین قسمت رسوایی ایتالیایی**

اگر فکر می‌کنید ماجراهای تبانی موسوم به کالچو پولی و کالچو اسکومزه، اولین تجربه رسوایی گسترده ایتالیایی‌ها در فوتبال است، سخت در اشتباه هستید چون نخستین بار در دهه ۸۰ باشگاه‌های لاتزیو و میلان به تبانی گسترده متهم شدند. بازیکنان و روسای ۲ باشگاه با اعمال نفوذ روی داوران و بازیکنان رقیب، نتیجه بیش از ۱۶ بازی را به نفع تیم‌های خودشان تغییر دادند و در نهایت با افشاگری روزنامه‌ها، ان‌ریکه آلبرتوسی، دروازه‌بان ذخیره تیم ملی ایتالیا و پائولو روسی به محرومیت مادام‌العمر محکوم شدند. البته روسی کم‌تر از ۲ سال بعد به لطف نفوذ مافیای بخشیده شد و با آقای گلی در جام‌جهانی ۱۹۸۲، بیشترین نقش را در سومین قهرمانی ایتالیا در جام‌جهانی ۱۹۸۲ ایفا کرد!

● **هویز داور بدنام آلمانی**

به نظر می‌رسید هر کشوری می‌تواند درگیری تبانی شود غیر از آلمان اما وقتی پلیرس در سال ۲۰۰۵ خانه رابرت هویز، داور مشهور را تفتیش کرد، تشت رسوایی فوتبال آلمان از بام افتاد. این داور به عنوان یکی از ماهرترین رشوه‌خوارهای تاریخ بارها در جریان قضاوت‌هایش با اعلام نظر نادرست به قول معروف کار را برای تیم‌هایی که از آن‌ها رشوه گرفته بود، درآورد. در نهایت هویز در اوج جوانی برای همیشه از دوری محروم شد و ۲ سال و ۵ ماه به زندان افتاد.

● **تبعات کالچوپولی**

بی‌گمان نقطه عطف اتفاقات مربوط به تبانی در تاریخ معاصر فوتبال (حداقل به لحاظ بعد رسانهای) ماجرای موسوم به کالچوپولی در فوتبال ایتالیا درست چندی قبل از جام‌جهانی ۲۰۰۶ بود؛ جایی که از شونود مکالمات تلفنی، محرز شد لوچانو مویچی، رئیس وقت یوونتوس، فدراسیون فوتبال ایتالیا و کمیته داوران این کشور را وادار به انتخاب داور از قبل تطمیع شده توسط خودش می‌کرد و در نتایج بازی‌ها تاثیر می‌گذاشت. فهرستی طولانی از داوران متهم منتشر شد و هم‌دستی سران میلان، فیورنتینا و لاتزیو هم به اثبات رسید. در نتیجه این رسوایی گسترده، یوونتوس با امتیاز منفی برای اولین بار راهی سری B شد و میلان، لاتزیو و فیورنتینا هم با کسر امتیاز فصل بعد را شروع کردند. موجی هم پس از چند مرحله دادگاه زندانی شد و برای همیشه از فعالیت ورزشی دور ماند.

● **پهلوانی را خدشه‌دار سازد.**

کالچو پولی برخلاف موارد مشابهش تنها یک اتفاق رسواکننده نبود، بلکه تبعات وحشتناکی مانند خالی شدن فوتبال پرستاره سری A از بزرگان و ضعف چند ساله و متمادی فوتبال ایتالیا را در پی داشت. درنهایت فوتبال تا دیروز جذاب به لیگی معمولی با بازیکنان متوسط و باشگاه‌های در آستانه ورشکستگی تبدیل شد. به طور مثال میلان هرچند مانند یوونتوس به دسته دوم نرفت اما به ضعف مالی شدیدی دچار شد و به عنوان دومین تیم پرافتخار اروپا تازه با گذشت حدود یک دهه در آستانه رسیدن به آرزوی خودشان قرار گرفت.

● **اولین ردپا**

اولین بار در دهه ۶۰ ردی از تبانی، دامن فوتبال را آلوده کرد. تحقیقات پلیس ثابت کرد که جیمی گولد بازیکن اسکاتلندی تیم دسته پایینی منسفیلد

تیم‌های این کشورها به طور دقیق اطلاع داشتند! بعدها شرطبندی روی لیگ‌های ناشناخته‌تر مثل لیگ دسته ۲ برزیل یا لیگ مثلاً دسته ۳ هلند و بلژیک مرسوم شده بود و این قضیه دیگر محدود به بندرترکمن و گنبد نبود و تقریباً می‌شود گفت نوار شمالی کشور را درگیر کرد. گستردگی لجام‌گسیخته شرطبندی فوتبال باعث ایجاد آسیب‌های اجتماعی متعددی شد تا جایی که پلیس مداخله کرد و چندین باند فعال در این زمینه شناسایی و منهدم و اعضای آن دستگیر شدند. فقط در یک مورد از این اقدامات، فرمانده نیروی انتظامی لاهیجان از انهدام باند تهیه و توزیع و کشف ۱۵ هزار برگ پیش‌بینی نتایج فوتبال (توتو) در این شهرستان خبر داد.

● **رد پای مربی سرشناس در شرطبندی**

شرطبندی پدیده‌ای غیرقابل انکار، با آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی متعدد است که پس از بی‌اعتنایی و بی‌توجهی اولیه مسئولان امر به تبعات آن، حالا مدتی است جدی گرفته شده و مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال هم از عزم راسخ فدراسیون‌اش برای از بین بردن این پدیده نامیجون خبر داده است. رئیس فدراسیون فوتبال با تاکید بر این که کارهای جدی در این زمینه انجام شده و می‌خواهیم شرطبندی و فساد در فوتبال را از بین ببریم، گفته است: «در کشور ما این موضوع چندان شکل نگرفته و برای این که گسترده نشود، قصد داریم سازماندهی وسیعی را در این زمینه انجام دهیم.» این اظهارات تاج در شرایطی است که منابع خبری غیررسمی از حضور چشمگیر برخی از فعالان و چهره‌های سرشناس فوتبال در سایت‌ها و بنگاه‌های شرطبندی خبر می‌دهند! براساس شنیده‌ها چندین چهره شاخص و سرشناس فوتبال اعم از مربی و بازیکن و حتی برخی مدیران از دست‌اندرکاران شرطبندی هستند و سود کلانی هم می‌برند!

همین چندوقفت پیش بود که برخی منابع خبری ورزشی از فعالیت گسترده یک بازیکن سابق یک تیم مطرح تهرانی و برادر یک بازیکن ملی‌پوش در شرطبندی مسابقات فوتبال پرده برداشتند. همزمان با انتشار این اخبار تایید نشده بود که خبر رسید تیم‌هی همان بازیکن نیز بساط شرطبندی فوتبالی و غیرفوتبالی‌اش در پدیده شرط بندی در میان است و درواقع آن‌ها کنتجک‌لوی بیشتر در این زمینه اسرار بیشتری را فاش می‌کرد اما هیچ سند و مدرک معتبر و محکمه‌پسندی برای اثبات آن وجود نداشته و ندارد! فقط همه همین اندازه می‌دانند که پای کی مربی سرشناس وطنی و دوستان فوتبالی و غیرفوتبالی‌اش در پدیده شرط بندی در میان است و درواقع آن‌ها مثل یک بنگاه اقصادی از شرطبندی‌های فوتبال سودهای کلان می‌برند. البته موضوع فقط درآمدهای هنگفت و بعضاً نامشروع نیست، نگرانی اصلی از اقدامات غیراخلاقی و غیرقانونی است که برای کسب سود و منفعت بیش‌تر با دست بردن در نتایج مسابقات صورت می‌گیرد و می‌تواند سلامت مسابقات فوتبال و دیگر مسابقات ورزشی را تهدید کند و روح جوامع‌مدی و پهلوانی را خدشه‌دار سازد.

● **تبانی و فوتبال، زشتی زیبایی**

شاید پیدا کردن این که ابتدا مرغ بود یا تخم مرغ، آسان‌تر از یافتن اولین ردپای شرطبندی و تبانی در فوتبال باشد! فوتبال ساده و ابتدایی اواخر قرن نوزدهم با گذشت کم‌تر از یک قرن تبدیل به چهارمین صنعت پول‌ساز دنیا شد و خودش نوعی بیزینس نام گرفت؛ با تمام مختصات و آلاینش‌های خاص یک صنعت تجاری. گرد و غبار خاص بیزینس که روی این ورزش محبوب نشست، ابتدا مبدع فوتبال را درگیر کرد.

اولین بار در دهه ۶۰ ردی از تبانی، دامن فوتبال را آلوده کرد. تحقیقات پلیس ثابت کرد که جیمی گولد بازیکن اسکاتلندی تیم دسته پایینی منسفیلد

اساس آمارهای غیررسمی ۲۰ هزار اکانت ایرانی عضو سایت‌های شرطبندی هستند. سایت‌هایی که به خاطر مسائل امنیتی هرچند روز یک بار تغییر می‌کنند و با آدرس جدیدی بالا می‌آیند. فرآیند عضوگیری و ورود هم آسان است و اگر هم برای عده‌ای سخت باشد، می‌توانند با اکانت دیگری در شرطبندی شرکت کنند و در صورت پرد و باخت مبلغ مورد نظر را از طریق صاحب اکانت پرداخت و دریافت کنند. همین فرایند آسان باعث شده از بچه ۹ ساله تا پیرمرد ۷۰ ساله آلوده آن شده و با یک بار برنده شدن و چشیدن طعم برد در شرطبندی، برای ادامه کار تشویق و ترغیب شوند. تشاید این مسئله به شرطبندی اینترنتی شرکت کرده‌اند و برنده شده‌اند، و به خاطر بحث فرح‌بخشی و تفریحی و سرگرمی آن برای مناطق محروم مرزی یک نعمت تلقی شود! اما آسیب‌های این پدیده بسیار بسیار بیشتر از سود و فایده احتمالی آن است. هرچند همه کسانی که عضو سایت‌های شرطبندی بوده یا در شرطبندی اینترنتی شرکت کرده‌اند و برنده شده‌اند، بابت پرداخت آنلاین و جبرگیرنی پول‌شان راضی و خشنودند، با این حال آن‌ها که باخت‌اند و پول قابل‌توجهی از دست داده‌اند و قادر به پرداخت بدهی‌شان نیستند، زندگی‌شان تیره‌تر شده است. اعتیاد به شرطبندی و تمایل عجیب به شرکت دوباره برای جبران ناکامی‌ها و به‌دست آوردن سود مناسب جهت پرداخت بدهی‌ها از یک‌سو و فشار افرادی که مامور گرفتن پول از بازنده هستند، از سوی دیگر گاهی چنان آدم‌های آلوده به شرطبندی را در تنگنا قرار می‌دهد که آن‌ها دست به اقدامات غیرقانونی و گاه غیر اخلاقی می‌زنند و عرصه بیش از گذشته پر از آن‌ها و خانواده‌شان که ناخواسته درگیر ماجرای شرطبندی شده‌اند، تنگ می‌شود.

● **جولان «توتو» در شهر اسب‌ها**

جایی در شمال شرقی کشور که شرطبندی برای اسب و مسابقات سوار کاری مرسوم است، شرطبندی فوتبال هم‌چیز را تحت‌الشعاع قرار داده است. بندر ترکمن و گنبد‌کاووس را همه به مردمان خونگرم و میهمان‌نواز ترکمن و اسب‌های اصیلش می‌شناسند. سال‌هاست پرورش اسب، جزئی لاینفک از زندگی مردمان این خطه است و مسابقات و شرطبندی بر سر آن امری عادی است. اما چند صبا‌بین به عنوان جایزه به شخصی بود که تمامی گنبد و بندرترکمن مرسوم شده که شاید در نوع خودش در دنیا بی‌نظیر باشد! بساط شرطبندی فوتبال را یک والیبالیست مطرح گنبدی که سابقه حضور در تیم ملی والیبال ایران را داشت، برپا کرد. نحوه شرکت در مسابقه با همان توتو هم به این شکل بود که برگه‌های به اسم برخی مسابقات فوتبال داخلی یا خارجی روی آن درج شده بود، فروخته می‌شد و خبری از ثبت‌نام و پیش‌بینی اینترنتی نبود. کسانی که برگه‌ها را خریداری می‌کردند، یک تایم مشخصی فرصت داشتند نتایج را پیش‌بینی کنند و برگه‌ها را به فروشنده تحویل دهند. برگه‌ها پس از جمع‌آوری در یک پاکس ذخیره و جعبه پلمب می‌شد تا پس از پایان مسابقات باز شود. بانی این شرطبندی هر هفته یک ماشین به برنده جایزه می‌داد و کار و بارش آنقدر سکه شد که گوا‌یز به هفته‌ای چند ماشین رسید. نکته جالب و غیرمتعارف این شرطبندی، دادن یک ماشین به عنوان جایزه به شخصی بود که تمامی نتایج را اشتباه پیش‌بینی می‌کرد و همین باعث شد که خیلی از کسانی که برگه پیش‌بینی مسابقات را تهیه می‌کردند به دنبال این باشند که کل نتایج را اشتباه بزنند! این پدیده عجیب آنقدر فراگیر شده و در زندگی روزمره مردم رخنه کرده بود که حتی در زمان تعطیلی لیگ‌های فوتبال ایران و اروپا، مسابقات پیش‌بینی روی لیگ‌های اورگونه و کوبا و پاراگونه و شرق آسیا متمرکز می‌شد که که فصل برگزاری‌شان با فصل اروپا و ایران برعکس است. برخی آنقدر در کار پیش‌بینی حرف‌های شده بودند که حتی اسکن بازیکنان لیگ کلمبیا و هندوراس را هم می‌دانستند و از وضعیت

ایده‌ای چیزی به نیمه شب نمانده، هوا خیلی سرد است. از آن شب‌های پاییزی که به شب‌های سرد و استخوان‌سوز زمستانی تنه می‌زد. در یکی از میادین کوچک شهر مرزی آتش بزرگی برپاست و گروهی چند ده نفره مثل پروانه گرد آتش جمع و دائماً در حرکت و جنب و جوشند، انگار که رقص سماع می‌کنند! ابتدا تصور می‌کنی یک رسم محلی است که مثلاً در شب‌های سرد آتش برپا کنند و مردم به رسم گذشته دور هم جمع شوند و شبنبینی کنند اما نزدیک‌تر که می‌شوی و حال و هوای‌شان را که می‌بینی تصوراتت بهم می‌ریزد. دور آتش خبری از داستان‌های اساطیری و شاهنامه‌خوانی و گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز دانه کردن و مویز و گردو خوردن نیست! همه از خرد و کلان، پیر و جوان و حتی بچه، یک گوشه دست‌شان گرفته و زل زده‌اند به صفحه موبایلشان و با بالا و پایین کردن صفحاتش، دنبال چیزی می‌گردند که بهانه شادی‌شان شود. گاهی صدای خنده‌ای بلند شده و گاهی گل گفتن و گل شنیدن یا آواز د